

اُستادانه

محتوای خوب از ما، نمره خوب برای شما

آرایه‌های بدیعی و بیانی ابیات فارسی عمومی
کتاب فارسی عمومی نوشته عباس فتوحی

دوست عزیزم، خریدار محترم و خواننده گرامی

از اینکه این فایل رو خریداری کردی و داری ازش استفاده میکنی متشکرم، اما اگه بدون اینکه فایل رو خریداری کنی داری ازش استفاده میکنی اینو بدون که استادانه برای این فایل خیلی زحمت کشیده و اونو به صورت اختصاصی تولید کرده نه مثل خیلی از سایتها از دیگران کپی کنه برای همین اصلا راضی نیست ازش استفاده کنی!

اگه دوست داری ازش استفاده کنی همین الان به سایت استادانه به آدرس زیر برو و مبلغش رو پرداخت کن و با خیال راحت ازش استفاده کن، کافیه اسم فایل رو داخل سایت سرچ کنی و اونو بخری

www.OSTADANEH.com



توجه توجه

فهرست مطالب:

۶ ابیات:
۶ ادبیات و زبان:
۶ دانش های ادبی:
۸ عروض و قافیه:
۹ قصیده:
۹ منوچهری دامغانی: بهاریه
۱۴ ناصر خسرو قبادیانی: پند حکیمان
۱۵ سنایی غزنوی: اعتبار و اعتذار
۲۱ انوری ابیوردی: نامه اهل خراسان
۲۴ خاقانی شروانی: ایوان مداین
۲۷ محمد تقی بهار: دماوندیه
۳۱ مهدی اخوان ثالث: کهن بوم و بر
۳۳ غزل:
۳۳ شهید بلخی: نخستین غزل پارسی

- ۳۴ رودکی: هرچه بادا باد.....
- ۳۴ دقیقی: زلفکان تو.....
- ۳۵ سنایی: عاشق نشوید.....
- ۳۵ حسن غزنوی: تو بی ما چگونه ای.....
- ۳۶ انوری ابیوردی: بس زود برفتی.....
- ۳۷ عطار نیشابوری: امشب نیم مست.....
- ۳۷ مولوی بلخی: صورتگر نقاشم.....
- ۳۸ مولوی بلخی: من غلام قمرم.....
- ۳۹ مولوی بلخی: شکر خندیدن.....
- ۴۰ مولوی بلخی: غلام آفتاب.....
- ۴۱ فخرالدین عراقی: نخستین باده.....
- ۴۲ سعدی شیرازی: عاشقان بیدل.....
- ۴۳ سعدی شیرازی: یاران به عیش بنشستند.....
- ۴۴ حافظ شیرازی: انکار شراب.....
- ۴۴ حافظ: کی شعر تر انگیزد.....
- ۴۴ حافظ: شهره‌ی شهرم.....
- ۴۵ محتشم کاشانی: غزل واسوخت.....
- ۴۶ وحشی بافقی: ز هر کس که بریدیم بریدیم.....
- ۴۶ کلیم کاشانی: قربان آن بناگوش.....
- ۴۷ صائب تبریزی: کتاب آدمی.....
- ۴۸ بیدل دهلوی: شوهری رنگ پریده.....
- ۴۹ فروغی بسطامی: ماه غلام رخ زیبای تو.....
- ۵۰ شهریار: ماهم آمد.....
- ۵۱ ابتهاج: آغاز و انجام جهان.....
- ۵۲ عماد خراسانی: چو شب های دگر.....
- ۵۳ سیمین بهبهانی: دوباره می‌سازمت وطن.....
- ۵۴ شفیعی کدکنی: نفسم گرفت.....
- ۵۴ محمد علی بهمنی: زمانه‌ی بی‌های و هوی.....
- ۵۵ حسین منزوی: زن صاعقه وار.....
- ۵۵ سلمان هراتی: معنی دریا شدن.....
- ۵۶ قیصر امین پور: بغض‌های کال من.....
- ۵۶ قیصر امین پور: آرزوهای شعاری.....
- ۵۷ ابیات یکه: از سبک هندی.....

۵۸ مثنوی:
۵۸ شاهنامه: گیسو افکندن رودابه از بام کاخ
۶۱ شاهنامه: خان چهارم: تنبور نوازی رستم
۶۱ شاهنامه: سخنی که ویران و آباد کرد
۶۲ لیلی و مجنون نظامی: وفات مجنون
۶۴ اسرار نامه: نخواندن نماز بر جنازه فردوسی
۶۴ مصیبت نامه: دیوانه‌ی وارسته
۶۵ مثنوی معنوی: به عیادت رفتن کر
۶۵ مثنوی معنوی: خر فروشی صوفیان
۶۵ بوستان سعدی: شمع و پروانه
۶۷ بوستان سعدی: حکایت ابراهیم:
۶۷ لیلی و مجنون جامی: کاسه شکنی لیلی
۶۸ سلامان و ابسال جامی: مشق نام لیلی
۶۹ وحشی بافقی: زیبایی لیلی
۶۹ رضی آرتیمانی: ساقی نامه
۶۹ خانلری: عقاب
۷۲ قیصر امین پور: نی نامه
۷۳ قطعه:
۷۳ ابوالفرج سگری: عنقای مغرب
۷۴ انوری: چنار و کدوبن
۷۴ ابن یمین: سفر از عدم تا عالم قدس
۷۴ آگهی یزدی: ده امر ناپسند
۷۴ قآنی شیرازی: گفت و گوی دو الکن
۷۴ ایرج میرزا: جنگ معشوقه و مادر
۷۵ ایرج میرزا: حق استاد
۷۵ پروین اعتصامی: سر و سنگ
۷۵ محمدتقی بهار: دخترک اعجمی
۷۶ گزیده رباعیات:
۸۰ دوبیتی:
۸۲ شعر آزاد:
۸۲ نیما یوشیج: مهتاب
۸۲ نیما یوشیج: چشم در راهم
۸۳ نیما یوشیج: داروگ

۸۳	فریدون مشیری: کوچه
۸۴	احمد شاملو: کیفر
۸۵	مهدی اخوان ثالث: زمستان
۸۶	مهدی اخوان ثالث: قاصدک
۸۶	مهدی اخوان ثالث: کتیبه
۸۷	مهدی اخوان ثالث: غزل
۸۸	سهراب سپهری: واحه ای در لحظه
۸۸	سهراب سپهری: سوره‌ی تماشا
۹۰	فروغ فرخزاد: پرواز را به خاطر بسپار
۹۰	فروغ فرخزاد: سلامی به آفتاب
۹۰	شفیعی کدکنی: هزاره‌ی دوم آهوی کوهی
۹۰	شفیعی کدکنی: غزل برای گل آفتاب گردان
۹۱	شفیعی کدکنی: سفر به خیر
۹۱	گلرخسار: شاهنامه وطن است
۹۱	شعر سپید:
۹۱	احمد شاملو: شبانه
۹۱	موسوی گرمارودی: نخل ولایت
۹۳	قیصر امین پور: اشتقاق
۹۳	نثر:
۹۸	ادبیات داستانی:
۹۹	زبان:

* توجه * * توجه *

در این فایل برای سهولت مطالعه و کاهش حجم مطالب فقط ابیات و اشعاری که دارای آرایه بوده اند آورده شده و از ابیاتی و اشعاری که فاقد آرایه ادبی بوده اند صرفه نظر شده است.

ابیات:

ادبیات و زبان:

۱- ز روی سبزه صبا مشت شب‌نمی برداشت
برای زینت گردون به آسمان افشاند

استعاره مکنیه (تشخیص)

۲- ... که نقطه چینِ عبورِ پرندگان آن جا در آن فرازِ فراز نشان حذفِ شب است نمونه‌ی ایجاز.

پرندگانِ غریب به روی سربی سرد سپیده در پرواز.

تکرار فراز جهت تاکید،

تضاد بین شب و سپیده.

۳- ای پسته‌ی تو خنده زده بر حدیث قند

پسته استعاره از دهان معشوق،

بر حدیث قند خنده زدن: کنایه از شیرین‌تر بودن دهان معشوق از قند،

تشبیه تفضیل و مضمّر.

صبا حکایت زلف تو در میان انداخت

۴- بنفشه طره‌ی مفتول خود گره می‌زد

استعاره مکنیه (تشخیص)،

تشبیه تفضیل و مضمّر.

چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

۵- ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد

استعاره مکنیه (تشخیص)،

نگران شدن: ایهام: ۱- نگریستن ۲- پریشان شدن

دانش های ادبی:

۶- جوی ها بسته ام از دیده به دامان که مگر در کنارم بنشانند سهی بالایی

اغراق یا غلو بیانی،

مصراع اول: کنایه از گریستن بسیار،

سهی بالا: استعاره از محبوب،

واج آرایی حرف دال.

ور نه این سیل دمامم ببرد بنیادم

۷- پاک کن چهره‌ی حافظ به سر زلف ز اشک

بین دم در کلمه دمامم و اشک: ایهام تبادر،

واج آرایی دال و ب، اغراق بیانی در سیل.

که به امید تو خوش آب روانی دارد

۸- چشمه‌ی چشم مرا ای گل خندان دریاب

جناس ناقص افزایشی بین چشم و چشمه،

گل خندان استعاره از محبوب.

دیده دریا کنم از اشک درو غوطه خورم

۹- حافظا شاید اگر در طلب گوهر وصل

گوهر وصل: اضافه تشبیهی،

دیده دریا کردن: اغراق بیانی.

برق دولت که برفت از نظرم باز آید

۱۰- دارم امید بر این اشک چو باران که دگر

تشبیه اشک به باران،

برق دولت: اضافه تشبیهی.

گرچه از خون دل ریش دمی طاهر نیست

۱۱_ اشکم احرام طواف حرمت می‌بندد

مصراع اول: کنایه از بسیار گریستن،

بین خون و دم: ایهام ترجمه.

احرام و حرم: جناس اشتقاق

ز گنج خانه‌ی دل می‌کشم به مخزن چشم

۱۲_ بیا که لعل و گهر در نثار مقدم تو

تناسب بین لعل و گهر،

گنج خانه‌ی دل: اضافه‌ی تشبیه‌ی، مخزن چشم: اضافه‌ی تشبیه‌ی،

لعل و گهر: استعاره از اشک.

بر روی ما ز دیده چه گویم چه ها رود؟

۱۳_ از دیده خون دل همه بر روی ما رود

تکرار دیده و روی،

واج آرایبی الف.

۱۴_ تنها دهان طبل گشودست/ طبل دهان دریده/ طبل دغل درای/ تاریکی است و میدان در امتداد شام/ و

تام تام طبل که دیگر تمام و تام.

استعاره مکنیه (تشخیص)،

واج آرایبی حرف ت و الف،

جناس ناقص افزایشی بین تام و تمام، جناس ناقص اختلافی بین تام و شام، تکرار تام،

ایهام تناسب بین طبل و درای.

۱۵_ ترش بنشین و تندی کن که مارا تلخ نماید چه می‌گویی چنین شیرین که شوری در من

افکندی

تناسب بین ترش و شیرین و شور و تلخ،

حس آمیزی،

ایهام تناسب بین شور و دیگر مزه‌ها.

۱۶_ لبش ندانم و قدش چگونه وصف کنم که این چو دانه‌ی نار است و آن جو شعله‌ی نار

لف و نشر مرتب،

جناس تام در نار: نار اول به معنی انار و نار دوم به معنی آتش.

۱۷_ بودم آن روز من از طایفه‌ی دردکشان که نه از تاک نشان بود و نه از تاک نشان

جناس مرکب در تاک نشان به دو معنی نشانی از تاک نبود و نشانی از تاک نشان نیز نبود.

۱۸_ بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت؟

جناس تام در گور، اولی به معنای گور خر و دومی به معنای قبر.

۱۹_ در عیش نقد کوش که چون آبخور نماند آدم بهشت روضه دارالسلام را

بین بهشت و روضه دارالسلام: ایهام تناسب

عروض و قافیه:

۲۰_ باز آمدم چون عید نو تا قفل زندان بشکنم وین چرخ مردم خوار را چنگال و دندان بشکنم

تشبیه،

استعاره مکنیه (تشخیص) در مصراع دوم.

نظم تو از این سحر بیانان مزه دارد

۲۱_ این رنگ سخن طرز کسی نیست غزالی

حس آمیزی: رنگ سخن

قصیده:

از بیت هاش گلشن و ایوان کنم

۲۲_ قصری کنم قصیده خود را درو

تشبیه.

یکی امین دانا دربان کنم

۲۳_ بر درگهش ز نادره بحر عروض

تشبیه.

منوچهری دامغانی: بهاریه

خیز ای بت فرخار، بیار آن گل بی خار

۲۴_ هنگام بهارست و جهان چون بت فرخار

تشبیه،

بت فرخار در مصراع دوم: استعاره از محبوب، تکرار،

واج آرایی حرف خ

وز خوردن آن روی شود چون گل بر بار

۲۵_ آن گل که مر او را بتوان خورد به خوشی

واج آرایی حرف خ،

تشبیه،

جناس ناقص افزایشی بین بر و بار.

نحلش ملکانش به گرد اندر و احرار

۲۶_ آن گل که به گردش در نخلند فراوان

گل: منظور گل سرخ است.

تشبیه

وین گل به سوی نحل بود دایم طیار

۲۷_ همواره به گرد گل طیار بود نحل

قلب مطلب.

۲۸_ در سایه گل باید خوردن می چون گل تا بلبل قوالت بر خواند اشعار

تشبیه می به گل،

گل استعاره از محبوب،

تناسب بین گل و بلبل.

۲۹_ آن قطره باران بین از ابر چکیده گشته سر هر برگ از آن قطره گهربار

تناسب بین ابر و باران و قطره و گهر،

جناس ناقص بین سر و هر.

۳۰_ آویخته چون ریشه دستارچه سبز سیمین گرهی بر سر هر ریشه دستار

تشبیه، تکرار،

جناس ناقص بین سر و هر و بر.

۳۱_ یا همچو زبرجد گون یک رشته سوزن اندر سر هر سوزن یک لؤلؤ شهوار

تشبیه.

۳۲_ آن قطره باران که فرو بارد شبگیر بر طرف چمن بر دو رخ سرخ گل نار

گویى به مثل بیضه کافور ریاحی

بر بیرم حمرا بپراکندهست عطار

ابیات موقوف المعانی هستند.

تشبیه مرکب،

جناس ناقص افزایشی بین رخ و سرخ.

۳۳_ وان قطره باران که فرود آید از شاخ بر تازه بنفشه، نه به تعجیل به ادرار

گوییکه مشاطه ز بر فرق عروسان

ماورد همی ریزد، باریک به مقدار

ابیات موقوف المعانی هستند.

بیت دوم دارای تشبیه مرکب است.

۳۴_ وان قطره باران سحرگاهی بنگر بر طرف گل ناشکفیده بر سیار

همچون سرپستان عروسان پیروی

واندر سر پستان بر، شیر آمده هموار

واج آرایی سین و پ،

تشبیه.

گردد طرف لاله از آن باران بنگار

۳۵- وان قطره باران که چکد از بر لاله

بر گرد عقیق دو لب دلبر عیار

پنداری تبخاله خردک بدمیده‌ست

تکرار،

واج آرایی ب،

تشبیه

چون اشک عروسیست برافتاده به رخسار

۳۶- وان قطره باران که برافتد به گل سرخ

تشبیه،

واج آرایی سین.

چون قطره سیمابست افتاده به زنگار

۳۷- وان قطره باران که برافتد به سر خوید

واج آرایی حرف سین،

تشبیه.

گویی که چکیده‌ست مل زرد به دینار

۳۸- وان قطره باران که برافتد به گل زرد

تشبیه، جناس ناقص بین گل و مل.

چون قطره می بر لب معشوقه میخوار

۳۹- وان قطره باران که چکد بر گل خیری

تشبیه

چون نقطه سفیداب بود از بر طومار

۴۰- وان قطره باران که برافتد به سمنبرگ

تشبیه.

همچون شرر مرده فراز علم نار

۴۱- وان قطره باران ز بر لاله احمر

تشبیه.

تناسب میان شرر و نار

گویی که ثریاست برین گنبد دوار

۴۲- وان قطره باران ز بر سوسن کوهی

تشبیه،

تناسب بین گنبد دوار، ثریا

چون قطره خوی بر زنج لعبت فرخار

۴۳- بر برگ گل نسرين آن قطره ديگر

جناس ناقص افزایشی بین بر و برگ،

تشبیه،

واج آرایي حرف گ.

هر گه که در آن آب چکد قطره امطار

۴۴- آن دایره‌ها بنگر اندر شمر آب

وان دایره آب بسان خط پرگار

چون مرکز پرگار شود قطره باران

تناسب بین امطار و باران،

تشبیه،

تناسب بین دایره و پرگار.

دیدار ز یک حلقه بسی سیمین منقار

۴۵- گردد شمر ایدون چو یکی دام کبوتر

در زیر طبق مانده ز مغناطیس احجار

چون آهن سوده که بود بر طبقی بر

پیش در آن بار خدای همه احرار

این جوی معنبر بر و این آب مصندل

جویست به دیدار و خلیجست به کردار

گویی که همه جوی، گلابست و رحيقست

تشبیه،

تناسب بین آهن و احجار،

تقسیم،

تناسب بین خلیج و جوی و ...

وز چرخ به نیزه بکند کوکب سیار

۴۶- از تیغ، به بالا بکند موی به دو نیم

تناسب بین تیغ و نیزه.

پیکان پسین ناوک در پیشین سوفار

۴۷_ گر ناوکی اندازد عمدا بنشاند

تناسب بین ناوک، پیکان،

تضاد بین پیشین و پسین.

کافور نخیزد ز درختان سپیدار

۴۸_ از مردم بداصل نخیزد هنر نیک

اسلوب معادله،

تضاد بین بد و نیک

باشی متواضعتر، چون باشی جبار

۴۹_ جبارتری چون متواضعتر باشی

طرد و عکس،

تکرار.

و ایزد برسانیده سزا را به سزاوار

۵۰_ الحق که سزاوار تو بوده‌ست ریاست

تکرار،

واج آرایی حرف سین

وز دیو نگون اختر برده شده آوار

۵۱_ انگشتی جم برسیده‌ست به جم باز

تلمیح به داستان حضرت سلیمان،

تکرار

بادات شب و روز خداوند نگهدار

۵۲_ جبار همه کار به کام تو رسانید

جناس ناقص اختلافی بین کام و کار،

تضاد و تناسب بین شب و روز.